

بررسی حدود صلاحیت دادگاه های کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲

اعظم مهدوی پور^{۴۰}

سید محمد رضا نقیبی^{۴۱}

چکیده

یکی از مباحث مهم در قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت مراجع قضایی است. وقتی که جرمی ارتکاب یافت باید از بین کلیه دادگاه های کیفری ، تعیین کرد که کدام یک مخصوصاً صلاحیت قضاوت رفتار مرتکب آن را دارد. صلاحیت در اصطلاح حقوقی، توانایی و الزامی است که مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی بموجب قانون دارند و در تعریف دیگر صلاحیت کیفری عبارت از شایستگی و اختیاری می باشد که به موجب قانون برای مرجع رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است.

حقوق دانان بر مبنای نوع جرم، اهمیت بزه ارتكابی ، محل وقوع جرم، موقعیت شغلی و اجتماعی بزه کار و نیز با در نظر گرفتن سن و درجه نظامی او (در خصوص نظامی ها) صلاحیت را در امور کیفری به سه قسم صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی و صلاحیت شخصی تقسیم نموده اند. دو نوع دیگر صلاحیت یعنی صلاحیت اضافی و صلاحیت نسبی،

^{۴۰} استادیار دانشکده حقوق دانشگاه خوارزمی

^{۴۱} دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه خوارزمی و مدرس دانشگاه پیام نور

صلاحیت جداگانه ای محسوب نمی‌شوند بلکه در سه قسم پیش گفته نهفته است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه های کیفری، به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی تقسیم می‌شوند. علاوه بر دادگاه فوق الذکر در ق.آ.د.ک دادگاه عمومی بخش نیز وجود دارد امّا به این دلیل که دادگاه عمومی بخش فقط به امور کیفری رسیدگی نمی‌کند بلکه به امور حقوقی نیز رسیدگی می‌نماید؛ لذا قانونگذار، دادگاه عمومی بخش را جزو دادگاه کیفری بیان نکرده است. از سوی دیگر به موجب آیین نامه دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت، مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحیه ۱۳۸۴ آن دادگاه ویژه روحانیت نیز مرجعی است که به جرایم روحانیون رسیدگی می‌نماید، لذا با توجه به این که مرجع ایجاد این دادگاه آیین نامه فوق الذکر است، لذا در ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک جزء دادگاه های کیفری بیان نشده است. بنابراین دادگاه هایی که در مرحله بدوی به امور کیفری رسیدگی می‌نمایند، عبارتند از :

- ۱- کیفری یک
- ۲- کیفری دو
- ۳- اطفال و نوجوانان
- ۴- دادگاه عمومی بخش
- ۵- دادگاه انقلاب
- ۶- دادگاه نظامی
- ۷- دادگاه ویژه روحانیت .

با بررسی ساختار و حدود صلاحیت محاکم کیفری اعم از عمومی و اختصاصی شاهد تغییراتی مناسب که بعضاً با الهام از ساختار و آیین دادرسی کیفری گذشته و احیاء و اصلاح دوباره ی پاره ای از تأسیسات موجب تحولی بنیادین در آن بوده است .

کلید واژه ها

قانون آیین دادرسی کیفری، صلاحیت، دادگاه های کیفری، قضاوت



مقدمه

قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان عصاره‌ی آرمان عدالت خواهی، قانون‌گرایی و نظم بخشی به جوامع و تضمین کننده حقوق و آزادی‌های فردی و تامین کننده امنیت اجتماعی در حوزه‌های مختلف است. طرح توسعه قضایی که توسط قوه‌ی قضائیه مطرح شد زمینه ساز اصلاحات و تحولات زیربنایی و اساسی در نظام قضایی کشور گردید که در پرتو احیای نهاد دادرسی، تدوین قانون جامع و مطابق با نیاز جامعه را به جای قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ضروری نمود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به عنوان پاسخ مناسب به این نیاز مهم مبتنی بر سیاست‌های کیفری و جنایی انسجام یافته است و اینک می‌رود که بنیان عدالت کیفری را به هر حال در آینده پی‌ریزی نماید.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، صلاحیت دادگاه‌های کیفری شاهد تغییرات و اصلاحات به نحو مناسب و موثر بوده که از اهم آنها در مرحله دادرسی مهم‌ترین اصلاحات متوجه صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و دو که در سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ در سازمان قضایی ایران فعالیت داشتند مجدداً تاسیس و با اندکی تغییر جایگزین دادگاه‌های کیفری استان و عمومی و جزایی شده‌اند (تبصره ۲ ماده ۲۹۶) و از سوی دیگر دادگاه انقلاب که پیش از این در رسیدگی به جرایم مهمی که برخی از آنها سلب حیات مرتکب را در پی داشت از شیوه خطرناک وحدت قاضی تبعیت می‌نمودند ملزم شدند که برای رسیدگی به برخی از جرایم داخل در صلاحیت خود نظام تعدد قضات را رعایت نمایند)

ماده ۲۹۷). دادگاه اطفال و نوجوانان نیز که وجود آن ضرورتی انکارناپذیر برای رسیدگی به جرایم این دسته از افراد است نه تنها حفظ شدند بلکه جایگاه آنها از دادگاه تخصصی که شعبه فرعی دادگاه عمومی بود به دادگاه اختصاصی تغییر یافت (ماده ۳۰۴). در مجموع می توان گفت که قانون جدید آیین دادرسی کیفری در بخش صلاحیت دادگاه های کیفری، با در هم آمیختن تجارب داخلی و آموزه های نوین الهام گرفته از حقوق خارجی ، قانونی به مراتب بهتر از قوانین قبلی ، بدون تردید از قانونی که پس از سال ها صرف وقت و هزینه به تصویب رسیده چنین انتظاری نیز وجود داشت اما معایب و اشکالات خاص و موردی است. با عنایت به نقش و اهمیت موضوع مقاله، در احیای حقوق مردم و برقراری عدالت در این نوشتار، نگارنده سعی نموده با بهره گیری از روش کتابخانه ای به شیوه ی توصیفی و تحلیلی حدود صلاحیت ، محاسن، نوآوری و معایب دادگاه های کیفری مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را مورد بررسی قرار دهد.

۱- صلاحیت در لغت و اصطلاح

صلاحیت، توانایی و الزامی است که مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی به موجب قانون دارند (مدنی، ۱۳۶۸، ص ۲۸۹). صلاحیت در لغت به معنای لیاقت، اهلیت و شایستگی است (انیس، ۱۳۸۴) و در اصطلاح ، توانایی و شایستگی مرجع قضایی در رسیدگی به جرم معین که توسط مقنن مشخص می شود (گلدوست، ۱۳۹۳، ص ۲۷۳). لذا صلاحیت کیفری عبارت است از : « اختیاری است که به موجب قانون برای مراجع

جزایی جهت رسیدگی به امور کیفری تفویض شده است . قواعد و مقررات مربوط به صلاحیت کیفری از قوانین آمره بوده و ناظر به نظم عمومی است و اراده افراد و مراجع کیفری تاثیر در آن ندارد.»

قواعد صلاحیت در قلمرو دادرسی های مدنی یا ناظر به حقوق خصوصی افراد است (صلاحیت نسبی) و یا مربوط به نظم عمومی است (صلاحیت ذاتی) ، در نتیجه صلاحیت کیفری بدون استثنا از قوانین آمره و ناظر به نظم عمومی بوده و عدول از آن ممکن نیست . (آخوندی ، ۱۳۸۴ ، صص ۲۳۴-۲۴۰). (آشوری ، ۱۳۸۲ ، صص ۳۹-۴۰)

۲- اقسام صلاحیت

انواع و اقسام صلاحیت در قانون دسته بندی نشده است ولی مصادیق آن در موارد پراکنده در قانون ذکر شده است . حقوق دانان بر مبنای نوع جرم ، اهمیت بزه ارتكابی ، محل وقوع جرم، موقعیت شغلی و اجتماعی بزه کار و نیز با در نظر گرفتن سن بزه کار و درجه نظامی او (در خصوص نظامی ها) صلاحیت را در امور کیفری به طور عمده به سه قسم تقسیم نموده اند : صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی و صلاحیت شخصی.

دو نوع دیگر از صلاحیت عبارت است از : صلاحیت اضافی و صلاحیت نسبی . این دو نوع صلاحیت که صلاحیت جداگانه ای محسوب نمی شود در سه قسم پیش گفته نهفته است. قواعد صلاحیت از قواعد آمره مربوط به نظم عمومی است و عمل بر خلاف آن هم برای قاضی و هم برای طرفین امر کیفری ممکن نیست ، به عبارت دیگر اراده اشخاص

در تعیین صلاحیت و یا در تغییر قواعد صلاحیت نقشی ندارد. تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت در هر پرونده کیفری با قاضی است که پرونده به او ارجاع داده می شود.

الف- صلاحیت ذاتی: گرچه قانونگذار ایران، در نظام قضایی ایران تعریفی از

صلاحیت ذاتی ارائه نکرده است لکن عبارت صلاحیت ذاتی برای اولین بار در ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به کار رفته است. مصادیق آن در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ قانون یاد شده و ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۱ قانون تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ و اصل ۱۷۲ قانون اساسی ایران پیش بینی شده است.

در تعریف این نوع صلاحیت می توان گفت که : عبارت است از صلاحیتی که مقنن بر اساس نوع جرم یا اهمیت جرم و یا مجازات جرم برای مرجع قضایی تعریف می نماید (گلدوست ، ۱۳۹۳ ، ص ۲۴۳). صلاحیت ذاتی، با نظم عمومی و مصلحت اجتماع گره خورده و قابل جابجایی نیست. تخلف از صلاحیت ذاتی موجب بطلان مطلق عملی است که از آن حاصل می شود ، هرچند که رای به درستی صادر شده باشد. (مدنی ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۶۸) از نظر تئوری های آیین دادرسی کیفری سه عنصر صنف ، نوع و درجه ، صلاحیت زایی مراجع قضایی و غیرقضایی یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تفکیک می نماید. منظور از صنف یک دادگاه این است که رسیدگی به موضوع مورد نظر باید توسط مرجع حقوقی یا کیفری و یا اداری صورت گیرد.

منظور از نوع دادگاه عمومی یا اختصاصی بودن آن است و منظور از درجه، تعیین این نکته است که رسیدگی به موضوع مورد نظر در صلاحیت مرجع بدوی یا مرجع تجدید نظر است. در واقع به منظور تضمین درستی احکام و جلوگیری از اجرای احکام نادرست و مبتنی بر اشتباه این امر پذیرفته شده است که اصولاً رسیدگی ها دو درجه ای باشد. موضوع صلاحیت کیفری برای قاضی، تکلیف است نه اختیار، لذا بر خلاف امور حقوقی که متداعیین گاه می توانند مرجع رسیدگی را مشخص کنند در امور کیفری، شاکی، متهم و قاضی نمی توانند صلاحیتی را که قانون ایجاد کرده تغییر دهند. در ایران نیز رسیدگی ابتدایی به جرایم ممکن است در صلاحیت دادگاه عمومی یا انقلاب یا کیفری استان یا نظامی باشد.

ب- صلاحیت محلی: پس از احراز صلاحیت ذاتی، نوبت به بررسی صلاحیت محلی می رسد. نخستین قاعده در صلاحیت محلی، آن است که دادسرا و دادگاهی صلاحیت رسیدگی دارد که جرم در حوزه ی قضایی آن ارتکاب یافته باشد. بدین ترتیب محل وقوع جرم نیز بر اساس عنصر مادی آن تشخیص داده می شود؛ زیرا عنصر قانونی، متن ماده ی قانونی است و عنصر روانی، محتوای فکر مرتکب است که در قالب رفتار او متجلی می شود؛ بنابراین محل تجلی اندیشه ی مرتکب و بروز رفتار مجرمانه، محل تحقق جرم محسوب می شود. به عبارت دیگر، وقتی صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری بر حسب نوع جرم تعیین و مشخص شد، این مساله پیش می آید که در بین دادگاه های متعددی که صلاحیت ذاتی دارند، کدام یک برای رسیدگی به جرم ارتكابی شایسته تر

است. این نوع شایستگی را صلاحیت محلی می نامند (آخوندی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱)؛ لذا می توان گفت: داشتن شرایط لازم و کافی قانونی، همراه با تکلیف مرجع و مقام قضایی محلی (حوزه قضایی) در تحقیق و رسیدگی به امور کیفری را صلاحیت محلی می نامند. به عنوان مثال، وقتی بر حسب قواعد صلاحیت ذاتی معلوم شد که عمل ارتكابی، مهم و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه های نظامی یک است، باید تعیین شود که در بین محاکم متعدد نظامی یک، کدام یک صلاحیت رسیدگی به جرم مورد نظر را دارد.

ج- صلاحیت شخصی: عبارت از صلاحیت رسیدگی مراجع قضایی با توجه به

سن، شغل و یا موقعیت اجتماعی متهم است. (گلدوست، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰). این نوع صلاحیت مشابه آن را در مراجع حقوقی مشاهده نمی کنیم. با توجه به خصوصیات متهم تعیین می شود. لذا این نوع صلاحیت که مخصوص مراجع کیفری است و در مراجع حقوقی یافت نمی شود، با لحاظ قرار دادن برخی داده های جرم شناختی نظیر وضع سنی مرتکب، موقعیت اجتماعی یا سمت اداری وی تعیین می شود. این نوع صلاحیت در حقیقت استثنایی است بر صلاحیت محلی، یعنی گاهی شخصیت اداری و اجتماعی متهم و گاهی سن وی اقتضا می کند که در رسیدگی ها از صلاحیت محلی عدول شود.

د- صلاحیت نسبی و اضافی: صلاحیت نسبی که کاربرد زیادی ندارد؛ مانند:

صلاحیت دادگاه های کیفری نسبت به دادگاه حقوقی است. شایان ذکر است که برخی حقوق دانان صلاحیت محلی و صلاحیت نسبی را مترادف و واجد یک معنا می دانند. منظور از صلاحیت اضافی صلاحیتی است که مرجع یا مقام قضایی به موجب قانون، علاوه

بر صلاحیت عادی دارد. مراجع قضایی کیفری اعم از دادسرا و دادگاه، خواه عمومی یا اختصاصی، در پاره ای موارد صلاحیت اضافی برای رسیدگی به امر قضایی که خارج از صلاحیت ذاتی یا محلی آنهاست پیدا می کنند. جهات صلاحیت اضافی کیفری، متعدد و مبتنی بر نوع سیاست قضایی و جنایی نظام حقوقی است و به طور خاص در قانون ذکر گردیده است، لذا محاکم یا اشخاص به ادعای حفظ مصالح و منافع ملی یا به ادعای تسهیل در رسیدگی، اختیار توسیع یا تحدید صلاحیت مزبور را ندارند.

۳- مرجع حل اختلاف در صلاحیت محاکم کیفری

برابر ماده ی ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که جایگزین ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری شده است، حل اختلاف بین دادگاه های کیفری در امر صلاحیت، مطابق مقرران آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادسراها مطابق حل اختلاف دادگاه هایی است که دادسرا در معیت آن قرار دارد. در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت دار ارسال می نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدید نظر استان ارسال می کند. رأی دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم الاتباع خواهد بود. بر اساس مواد ۲۶ تا ۳۰

قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹) حل اختلاف در صلاحیت ها به شرح زیر صورت می گیرد :

الف- چنان چه بین دادگاه های کیفری یک و دو حوزه ی قضایی یک استان اختلاف در صلاحیت حاصل شود، مرجع حل اختلاف دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود.
ب- حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه های کیفری یک و دو حوزه قضایی دو استان، با دیوان عالی کشور است.

پ- چنانچه بین دادگاه های نظامی، عمومی و انقلاب، اختلاف در صلاحیت شود، مرجع حل اختلاف، دیوان عالی کشور خواهد بود.

ت- هم چنین رفع اختلاف بین دادگاه اطفال و سایر دادگاه های کیفری ، با توجه به این که صلاحیت دادگاه اطفال با سایر دادگاه های کیفری ذاتی است، با دیوان عالی کشور است.

ث- چنانچه اختلاف در صلاحیت بین دادگاه تجدیدنظر با دیوان عالی کشور ، بین دادگاه بدوی و تجدیدنظر حادث شود ، نظر مرجع عالی لازم الاتباع است.

ج- اگر مراجع قضایی به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشکیل صلاحیت ، لازم الاتباع می باشد.

۴- اقسام دادگاه های کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ، دادگاه های کیفری را به پنج قسم

تقسیم نموده است : (ماده ۲۹۴ ق.آ.د ک)

۱- دادگاه کیفری یک ۲- دادگاه کیفری دو ۳- دادگاه انقلاب ۴- دادگاه اطفال و

نوجوانان ۵- دادگاه نظامی

دادگاه های عمومی یک و دو :

در بنیادی ترین تغییر ، دادگاه های کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاه های یک و دو تبدیل می شوند . جرایمی که تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است. از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه نظامی نیز جاری است (تبصره ۲ ماده ۲۹۶ ق.آ.د. ک ۱۳۹۳).

الف- دادگاه کیفری دو : این دادگاه با حضور رئیس یا دادرس علی البدل در حوزه

قضایی هر شهرستان تشکیل شده و صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد (مواد ۲۹۵ و ۳۰۱). بنابراین با در نظر گرفتن صلاحیت سایر دادگاه های کیفری می توان گفت جرایم زیر در دادگاه کیفری دو رسیدگی می شود :

۱- رسیدگی به جرایمی که مجازات آنها از نوع مجازات های تعزیری درجه پنج تا

هشت باشد.

۲- رسیدگی به جرایم عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن از ثلث دیه کامل کمتر باشد.

۳- رسیدگی به کلیه جرایم غیر عمدی علیه تمامیت جسمانی با هر میزان دیه

۴- رسیدگی به جرایم موجب حد ، مگر این که موجب سلب حیات ، حبس ابد و یا قطع عضو باشد.

چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید. همانطور که ملاحظه می شود دادگاه های کیفری دو متشکل از یک قاضی است ، همچنان که قانونگذار اصل وحدت قاضی را در این دادگاه ها به رسمیت شناخته است این در حالی است که رسیدگی به اکثریت جرایم ارتكابی در جامعه در صلاحیت این دادگاه می باشد و بعضاً رسیدگی به جرایم مهم از قبیل کلاهبرداری و اختلاس در صلاحیت این دادگاه می باشد. این امر یکی از معایب اساسی دادگاه ها می باشد و معلوم نیست که چرا قانونگذار تعدد قاضی در این دادگاه ها را سی سال پس از انقلاب اسلامی نمی پذیرد و همچنان اصرار بر قضاوت فردی در این دادگاه ها دارد. جا دارد قانونگذار در این زمینه ، اقتباس از نظام های دادرسی کشورهای جهان، اصل تعدد قاضی در این دادگاه ها را بپذیرد و نسبت به اصلاح قانون در این زمینه اقدام نماید. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ۲۲۷)

ب- دادگاه کیفری یک: با تصویب ماده ۲۹۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری،

از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، دادگاه های کیفری استان منحل و به جای آن دادگاه کیفری یک تشکیل می شود. دادگاه کیفری یک جدید همانند دادگاه کیفری یک سابق و همانند دادگاه کیفری استان در مرکز استان تشکیل می شود و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه ی قضایی شهرستان ها نیز می تواند تشکیل شود. در حوزه هایی که این دادگاه تشکیل شده است به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیک ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می شود (تبصره ۱ ماده ۲۹۶ ق. آ. د. ک).

این دادگاه برای رسیدگی به جرایم زیر تشکیل می شود:

۱- جرایم موجب مجازات سلب حیات. ۲- جرایم موجب حبس ابد ۳- جرایم

موجب مجازات قطع عضو جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل.

۴- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر. ۵- جرایم سیاسی و مطبوعاتی

دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه

مستشار تشکیل می شود. در این وضعیت ریاست دادگاه، به عهده ی عضو مستشاری است

که سابقه قضایی بیشتری دارد. (ماده ۲۹۶ ق. آ. د. ک)

همانطور که ملاحظه می شود خوشبختانه قانونگذار تعدد قاضی را در دادگاه کیفری

یک پذیرفته است، همه دادگاه های بدوی تشکیلات اداری دارند. حداقل یک مدیر دفتر

دارند که کارهای اداری مربوط به پرونده را انجام می دهد. علاوه بر این هر یک دادگاه باید

بین ۲ تا ۳ کارمند دیگر نیز داشته باشد که یک نفر منشی و یک نفر بایگان و دیگری ثبات است.

به جرایم سیاسی و مطبوعاتی فقط در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود. یعنی دادگاه کیفری یک شهرستان صلاحیت رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی را ندارد. اما دفاع از کیفرخواست و شرکت در جلسه ی دادگاه به عهده دادستان محل وقوع جرم است. اصل ۱۶۸ قانون اساسی ، وظیفه ارائه تعریف جرائم سیاسی را به عهده قانونگذار گذاشته، اما با وجود گذشت بیش از سی سال از ایجاد این تکلیف، قانونگذار هنوز به وظیفه خود عمل نکرده است. بنابراین در قانون حاضر با وجود این که صلاحیت رسیدگی به جرایم سیاسی به دادگاه های کیفری یک داده شده، اما قانونگذار این جرایم را تعریف و یا مصادیق آن را تعیین نکرده است. چنانچه پرونده ای در دادگاه کیفری یک مطرح شود و دادگاه پس از رسیدگی و ختم دادرسی تشخیص دهد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری می باشد. دادگاه کیفری یک رسیدگی را ادامه داده و حکم مقتضی را صادر می نماید. در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش بینی شده باشد ، رأی اکثریت حاصل نشود یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می شود.

در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک حضور دادستان یا نماینده او الزامی است ، لیکن عدم حضور وی موجب توقف رسیدگی نمی شود ، مگر این که دادگاه حضور آنان را الزامی نداند .

در قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری استان از سیستم قضایی ایران حذف شده و رسیدگی به جرایم مشمول صلاحیت این دادگاه (جرایم مستوجب اعدام، قصاص نفس، رجم، قطع عضو، حبس ابد و جرایم مطبوعاتی و سیاسی) در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار گرفته است. دادگاه کیفری یک که در حوزه ی هر شهرستان واقع می شود به جرایم موجب مجازات سلب حیات ، حبس ابد و قطع عضو ارتكابی در همان حوزه شهرستان رسیدگی می کند. بدین ترتیب ملاحظه می شود که با اقدامی شایسته جرایم یاد شده جزء جرایم مشمول صلاحیت کیفری استان که در مرکز هر استان و از قضات دادگاه های تجدید نظر تشکیل می شود انتقاداتی وارد بود (محمدی کشکولی، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

در عمل رسیدگی ها در مرکز استان درباره ی جرایمی که در شهرستان ها ارتکاب می یافت صرف نظر از مشکلاتی که برای مراجعین از جهت حضور در جلسات ، ابلاغ اوراق و اختطاریه ها به وجود می آورد و عملاً موجب اطاله ی دادرسی می شود با فلسفه ی صلاحیت محلی محاکم کیفری و ضرورت و استحقاق محاکمه و اجرای مجازات در حوزه ی قضایی محل ارتکاب جرم منافات دارد.

در مواقعی که دادگاه کیفری استان انجام تحقیقی را ضروری بداند به لحاظ بُعد مسافت و مشکلات حضور در صحنه جرم، پرونده را مجدداً به دادرسی محل ارتکاب جرم عودت می دهد، کم نیستند مواردی که پس از صدور کیفرخواست مجدداً پرونده جهت تکمیل تحقیقات برگشت داده شده است، طرفین دعوا برای ارائه ی دلایل، حاضر کردن

گواهان و به ویژه بستگان برای اجرای مراسم قسامه (که طریق اثبات بخش زیادی از پرونده های قتل شده است) با مشکلات فراوان مواجه می شوند. مزید بر همه ی این موارد ، هویت دادگاه کیفری استان و شأن آن به عنوان یک محکمه ی بدوی یا تجدید نظر ابهاماتی را به وجود آورده است .

در مجموع به نظر می رسد این اقدام مقنن در واگذاری صلاحیت رسیدگی به جرایم یاد شده در دادگاه کیفری یک شهرستان موجه و قابل تقدیر است. البته رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی واقع در حوزه ی هر استان به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم و با حضور هیات منصفه صورت می گیرد. در این امر با لحاظ تعداد اندک و ماهیت این جرایم که با قشر خاصی از جامعه سر و کار دارد و عمدتاً در مراکز استان ها مورد ابتلا است، قابل توجیه است (ماده ۳۰۶).

درباره ی صلاحیت رسیدگی به جرایم مقامات کشوری و لشکری که در حال حاضر مستند به ماده ی ۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در دادگاه کیفری استان تهران به عمل می آید، قانون ضمن صالح دانستن دادگاه های پایتخت صرف نظر از آن که جرم در کجا ارتکاب یافته باشد قایل به تفکیک شده و بسته به آن که جرم از لحاظ درجه بندی جزء جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری دو یا کیفری یک باشد ، دادگاه کیفری یک و دو تهران را صالح به رسیدگی می داند. ماده ی ۳۰۷ قانون مقرر می دارد : « رسیدگی به اتهامات روسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان ، رئیس و اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی

و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه ی سرتیپ و بالاتر و یا درجه ی سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دو تهران است، مگر آن که رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

ج- دادگاه بخش:

در صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می شود. این دادگاه به تمامی جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می کند. اگر در یک حوزه قضایی بخش به دلیل وسعت و جمعیت آن، تاسیس دادگاه در محل ضرورت داشته باشد استثنائاً دادگاهی تشکیل و با نام دادگاه عمومی بخش و با صلاحیت دادگاه کیفری دو فعالیت می کند. باز استثنائاً این دادگاه می تواند در شهرستان های جدید که به لحاظ قلت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد تشکیل گردد. بر اساس ماده ۲۲ دادرسی در حوزه قضایی شهرستان تشکیل می شود و در حوزه ی بخش دادرسی نداریم. متن ماده فوق نیز فقط به تشکیل دادگاه عمومی بخش و صلاحیت آن برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در این حوزه اشاره نموده است. مواد ۲۴ و ۹۲ نیز در این باره راه گشا نیستند. با توجه به سوابق تقنینی و قضایی در کشورمان و با توجه به تبصره ۱ ماده ۱۱۹ می توان گفت که در حوزه ی قضایی

بخش ، رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه عمومی بخش، تحقیقات مقدماتی جرایم داخل در صلاحیت خود را انجام می دهد.

صلاحیت دادگاه های اختصاصی کیفری :

« محاکم کیفری اختصاصی » به نهادهای قضایی اطلاق می شود که صلاحیت آنها به اعتبار ویژگی جرم یا موضوع دعوا یا طرفین دعوا مشخص می شود . به درستی که اساساً نام گذاری دادگاه های فوق به محاکم اختصاصی یا استثنایی، به دلیل وجود عنصر « صلاحیت » است؛ چرا که مراجع کیفری اختصاصی اصولاً مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند، مگر جرایمی که صریحاً در صلاحیت آنها قرار داده شده باشد . تعاریف دیگری نیز که از حقوق دانان بیان شده، با تاکید بر صلاحیت استثنایی در موضع نص قانون و به دلیل وجود خصیصه ای متمایز در متهم، مانند: شخصیت، مقام و موقعیت شغلی یا در نوع جرم ارتكابی مطرح شده است (استفانی ، ص ۵۶۹). معمولاً تخصصی شدن رسیدگی، تسریع دادرسی، محدود کردن اعمال نفوذ، مصلحت و ضرورت، برخورد شدید و قاطع با مجرمان خاص و امکان سیاست گذاری متمرکز و ایجاد رویه ی واحد، از محکم ترین دلایل تاسیس دادگاه های کیفری اختصاصی به شمار می رود. (دریاباری، ۱۳۸۳، ص ۵۰) از طرف دیگر لطمه به اصل تفکیک قوا و تزلزل استقلال قضایی، نابرابری افراد ، محدود بودن حق دفاع متهم و نادیده گرفتن اصل قانون بودن جرایم و مجازات ها از معایب این محاکم محسوب می شود (کاشانی، صص ۱۹۳ و ۲۰۲).

الف - دادگاه های نظامی:

در هر استان سازمانی به نام سازمان قضایی نیروهای مسلح استان تشکیل می شود . به موجب ماده ۶ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ اصلاحی ۱۳۶۸ در مراکز استان ها سازمان قضایی نیروهای مسلح مرکب از دادگاه و دادرسی نظامی و در شهرستان های مورد نیاز دادرسی نظامی تشکیل می شود. مطابق مواد ۸ و ۲ قانون یاد شده، دادگاه های نظامی به دادگاه های نظامی یک، دادگاه های نظامی دو و دادگاه نظامی دو مستقل تقسیم می شوند. رئیس شعبه اول دادگاه نظامی یک کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور محسوب شده که علاوه بر وظایف کشوری، ریاست اداری بر دادرسی و دادگاه های نظامی استان تهران (مرکز) را دارد.

مطابق ماده ۳ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران : « کیفیت تشکی و صلاحیت دادگاه های نظامی یک و دو و در موارد لزوم ارسال پرونده به دیوان عالی کشور مانند کیفیت تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو است ». مطابق ماده ۸ قانون دادرسی نیروهای مسلح در استان هایی که تراکم پرونده در حد تشکیل سازمان قضایی نیست، با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه دادگاه نظامی دو مستقل با اختیارات مانند دادگاه حقوقی مستقل در امور کیفری تشکیل می شود. در محلی که دادگاه نظامی دو عادی قرار دارد اختیارات دادستان و

بازپرس در انجام تحقیقات در جرایمی که در صلاحیت دادگاه نظامی یک است نیز جاری است، که این اختیار ایراد وحدت مدعی و قاضی را در بر دارد (الهام ، ۱۳۸۹ ، ص ۹۰). در ارتباط با دادگاه حقوقی دو مستقل ماده ۱۰ قانون تشکیل دادگاه های کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸ مقرر می دارد: «در جایی که دادگستری تشکیل نشده است یک دادگاه حقوقی دو می تواند تشکیل و به دعاوی و شکایاتی که در صلاحیت حقوقی دو و کیفری دو است رسیدگی نماید ...»

نکته ی قابل ذکر آن که اگر یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادگاه حقوقی دو مستقل ارتکاب یافته باشد دادگاه حقوقی دو مستقل تحقیقات مقدماتی و بازپرسی را انجام خواهد داد. در این صورت ، رئیس دادگاه به قائم مقامی دادستان باید پرونده را جهت انجام تحقیقات مقدماتی و بازپرسی به دادرس علی البدل آن دادگاه ارجاع نماید و اظهار نظر درباره قرارهایی که دادرس مزبور به جانشینی بازپرس صادر می نماید و هم چنین سایر وظایف دادستان از قبیل صادر کردن کیفرخواست با رئیس دادگاه حقوقی دو مستقل خواهد بود (نظریه ی مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، شماره ۷۱۴۱/۷ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۹).

با وجود اشاره به دادگاه های نظامی در ماده فوق ، سازمان و تشکیلات آنها و صلاحیت هر یک در این قانون بیان نشده بلکه موضوع طرح جداگانه ای است که تحت عنوان آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی توسط مجلس در دست بررسی قرار دارد. تا زمان تصویب و تأیید این طرح، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری

اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴ و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در این زمینه مورد عمل است. تعداد قضات دادگاه های نظامی یک و دو همان است که در مورد دادگاه کیفری یک و دو مقرر شده است. ویژگی های رسیدگی در دادگاه های نظامی، طی یک طرح جداگانه از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه شده و مورد تصویب کمیسیون قضایی مجلس قرار گرفته و در مراحل پایانی روند تصویب و تایید شورای نگهبان قرار دارد که پس از تصویب نهایی، به عنوان بخشی از این قانون الحاق خواهد شد (مصدق، ۱۳۹۲، ص ۶۸).

در ارتباط با دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم نظامیان کم تر از ۱۸ سال تمام شمسی ماده ۵۹۰ قانون صراحتاً سازمان قضایی نیروهای مسلح را صالح به رسیدگی دانسته و مقرر کرده است که به جرایم این افراد با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادرسی و دادگاه های نظامی رسیدگی شود.

ب- دادگاه ویژه روحانیت

درباره ی دادگاه ویژه روحانیت در قانون جدید آ.د. ک مصوب ۱۳۹۲ هیچ اشاره ای نکرده و متعرض آن نشده است. بنابراین دادگاه ویژه روحانیت نیز یکی از دادگاه های کیفری با صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص روحانی به شرح مندرج در آیین نامه دادرسی و دادگاه های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹؛ اصلاحات ۱۳۸۵ است. عدم ذکر دادگاه ویژه روحانیت در ماده فوق به معنای حذف آن از شمار دادگاه های کیفری نیست؛ بلکه به لحاظ عدم تعلق تشکیلاتی آن به قوه قضائیه و استناد موجودیت و صلاحیت آن

به آیین نامه فوق است. به موجب مواد ۱۰ و ۱۱ آیین نامه مذکور هر شعبه دادگاه ویژه ی روحانیت متشکل از یک عضو قاضی می باشد که به عنوان رئیس شعبه یا دادرس علی البدل پرونده اتهامی روحانی را رسیدگی و حکم صادر می نماید. حوزه ی صلاحیت دادرس و دادگاه ویژه روحانیت به موجب ماده ۹ آیین نامه استانی است. به موجب ماده ۳ در معیت دادگاه ویژه روحانیت یک دادرس وجود دارد که دادستان آن توسط مقام معظم رهبری منصوب می شود. به موجب ماده ۵ آیین نامه دادستانی مرکز (دادستان منصوب (دارای یک قائم مقام ، معاون قضائی ، معاون سیاسی، معاون اداری و مالی، دفتر دادستانی و دفتر حفاظت و گزینش خواهد بود. شرح وظایف هر کدام توسط دادستان منصوب می گردد. در دادرسای ویژه روحانیت ، بازپرس وجود ندارد لیکن به تعداد لازم دادیار دارد (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ۲۳۰).

حوزه ی قضایی دادرس و دادگاه ویژه روحانیت نیز استانی است. بدین توضیح که چنانچه روحانی در سطح استان مرتکب جرم شود در دادرس و دادگاه ویژه روحانیت همان استان رسیدگی می شود. ضرورتاً این مرجع در مرکز هر استان تشکیل نمی شود، بلکه به نسبت جمعیت روحانیون ممکن است شامل ۲ تا ۳ استان هم بشود.

در بحث صلاحیت دادگاه های ویژه روحانیت باید اذعان داشت صلاحیت این محاکم را از دو دیدگاه می توان بررسی کرد. نخست از دیدگاه صلاحیت شخصی این دادگاه که اصولاً به جرایم اشخاص روحانی رسیدگی می کند. دوم از نظر فعل ارتكابی است که صرفاً

جرایم روحانیون را شامل نمی شود و اعمال خلاف شرع آنان را نیز در بر می گیرد (جانی پور، ۱۳۹۳، ص ۲۶۸).

ج- دادگاه انقلاب

این دادگاه، دادگاه فوق العاده ای بود که در نخستین روزهای پس از انقلاب برای رسیدگی به جرایم سران رژیم سابق و ضد انقلاب ایجاد شد و نقش مهمی در تثبیت نظام و حاکمیت جمهوری اسلامی داشت. عنوان دادگاه یعنی « دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب » و مشروح مذاکرات هنگام تدوین قانون اساسی، به ویژه آن که در قانون اساسی نامی از آن برده نشد، حکایت از موقتی بودن دادگاه انقلاب داشت؛ اما عواملی چون شرایط و اوضاع و احوال جامعه، اصلاح و تصفیه نشدن کامل دادگستری، اعمال خرابکارانه و ضد انقلابی گروهک ها و مخالفان نظام نه تنها موجب شد که دادگاه انقلاب باقی بماند بلکه بر صلاحیت های آن نیز افزود به گونه ای که برخی از این جرایم هیچ سنخیتی با صلاحیت اولیه دادگاه انقلاب ندارد. (زرنگ، ۱۳۸۱، ص ۳۷۷) در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مواد ۲۹۷ و ۳۰۳ به ساختار و صلاحیت دادگاه انقلاب پرداخته است. رویکرد نویسندگان قانون از اختصاصی بودن دادگاه انقلاب به تخصصی بودن تغییر پیدا کرده است، اما همچنان به نظر می رسد که در صدد هستند که این دادگاه را با عنوان خاص (انقلاب) به عنوان یک دادگاه اختصاصی حفظ کنند، چرا که هرچند قانون آن را شعبه ای از دادگاه کیفری یک می داند و تشکیل آن را فقط در مرکز استان و یا در حوزه های قضایی دیگری که رئیس قوه قضائیه آن را ضروری دانسته و موافقت کند امکان پذیر

دانسته است، اما کماکان صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرایم مشمول صلاحیت خود خواهد داشت و در غیاب این دادگاه ، دادگاه کیفری یک نمی تواند به قائم مقامی دادگاه انقلاب به جرایم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب رسیدگی کند. البته از ویژگی های مثبت قانون در این خصوص آن است که از تعداد جرایم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب کاسته شده و این دادگاه به جرایمی رسیدگی می کند که تا اندازه ای با انقلاب و دستاوردهای آن و امنیت جمهوری اسلامی ایران سنخیت دارد. ضمن آن که با پیش بینی صلاحیت اضافی برای دادگاه انقلاب برای رسیدگی به سایر جرایم، تا اندازه ای از مشکلاتی که در بحث تعارض صلاحیت در تعدد جرایم پیش می آمد کاسته شده است. مواد ۲۹۷ و ۳۰۳ ق.آ.د.ک مقرر می دارند دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات های سلب حیات ، حبس ابد ، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن و مجازات های تعزیری درجه چهار و بالاتر با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می شود. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرس علی-البدل یا توسط یک مستشار تشکیل می شود و در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می کند مقررات دادگاه کیفری یک در آن جاری است.

ملاحظه می شود که هرچند قانون صراحتاً از تخصصی بودن دادگاه انقلاب سخن به میان آورده و آن را شعبه ای از دادگاه کیفری می داند ، اما کماکان بر خلاف دادگاه کیفری یک که در حوزه ی قضایی هر شهرستان تشکیل می شود ، دادگاه انقلاب فقط در مرکز هر استان و در مناطقی که رئیس قوه قضائیه ضروری بداند تشکیل می شود و هم

چنان نام دادگاه انقلاب در کنار دادگاه کیفری یک برای آن حفظ شده است. برای جلوگیری از معضلات ناشی از تعارض صلاحیت دادگاه انقلاب با دادگاه کیفری یک، نوعی صلاحیت اضافی و تام در کنار صلاحیت ذاتی برای دادگاه انقلاب قایل شده است به گونه ای که می توان سایر پرونده های دادگاه کیفری یک را به آن ارجاع داد. هرچند که در آینده و در مرحله اجرا مشخص خواهد شد که به لحاظ ضرورت رعایت قواعد صلاحیت محلی این نکته فقط درباره ی جرایمی امکان پذیر است که در حوزه قضایی شهرستان مرکز استان ارتکاب یافته باشند یا حداقل در صورت تعدد جرایم، مهم ترین جرم در حوزه قضایی مرکز استان واقع شده باشد تا بتوان با رعایت قواعد تجمیع صلاحیت به پرونده های دیگر نیز در کنار جرایم مشمول صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب رسیدگی کرد.

خوشبختانه پس از گذشت سالیان دراز از عمر دادگاه های انقلاب در کشور ما قانونگذار در جرایم سنگین تعداد قاضی ها را در دادگاه های مذکور تحت عنوان اقدامی مثبت و ناشی از توجه و اهمیت جرایم موجب مجازات های فوق را پذیرفته است. لیکن در جرایم سبک تر این دادگاه همانند دادگاه کیفری دو از یک قاضی تشکیل می شود. پذیرش قضاوت فردی در دادگاه انقلاب آن هم در جرایمی مثل مواد مخدر یا جرایم علیه امنیت ملی یا قاچاق که دارای مجازات سنگین می باشند محل ایراد است و معلوم نیست که چرا قانونگذار در همه جرایم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب، اصل تعدد قاضی را نپذیرفته است. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ۲۳۰)

د- دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود. نظر مشاوران، مشورتی است (ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک) در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می شود. تخصصی بودن این شعب ، مانع ارجاع سایر پرونده ها به آن نیست. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک یعنی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد رسیدگی می شود (تبصره ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک). حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در ق.آ.د.ک برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است (تبصره ۲ ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک).

در سیستم قضایی گذشته ایران دادگاه اطفال نه به عنوان یک دادگاه اختصاصی بلکه به عنوان شعبه ای از دادگاه عمومی به امر رسیدگی به جرایم اطفال و افراد نابالغ کمتر از ۱۸ سال می پرداخت. ولی قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ نهایتاً با تأسی از اصول و استانداردهای بین المللی در باب ضرورت ایجاد دادگاههای خاص و با آیین دادرسی ویژه برای اطفال و نوجوانان در ماده ۲۹۴ در کنار دادگاه های کیفری یک و دو، انقلاب و نظامی از دادگاه اطفال و نوجوانان نام می برد و آن را نه به عنوان شعبه ای

از دادگاه های عمومی و کیفری بلکه دادگاهی اختصاصی در کنار این محاکم تلقی می کند.

رویکرد قانون گذار در قانون آ. د.ک جدید آن است که در حوزه های قضایی که دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل می شود این دادگاه به عنوان یک دادگاه کیفری اختصاصی محسوب می شود که منحصراً صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را خواهد داشت و به جز مورد مصرحه در تبصره ماده ۳۱۲ به جرایم افراد بالاتر از ۱۸ سال تمام شمسی رسیدگی نخواهد کرد. استثنای قاعده فوق مربوط به جرایمی است که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است و در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید که در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از ۱۸ سال تابع قواعد عمومی است.

البته دادگاه کیفری اختصاصی اطفال و نوجوانان صلاحیت عام رسیدگی به جرایم افراد کم تر از ۱۸ سال تمام شمسی را دارد. به موجب قانون رسیدگی به بعضی از جرایم این اشخاص ممنوع شده و رسیدگی به آنها به دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان واگذار شده است که در این حالت شعبه ای تخصصی از دادگاه کیفری یک محسوب می شود که ضمن صلاحیت رسیدگی تخصصی به این دسته از جرایم، قادر به رسیدگی به جرایم افراد بالاتر از ۱۸ سال نیز می باشد. ماده ۳۱۵ قانون مقرر می دارد: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب

شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود ، بهره مند می گردد».

آن چه از مجموع مواد مندرج در قانون آ. د. ک بر می آید آن است که مقنن بسته به نوع جرمی که افراد کم تر از ۱۸ سال مرتکب می شوند دو دادگاه را صالح به رسیدگی می داند. در صورتی که جرم از جمله جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب باشد دادگاه تخصصی کیفری یک ویژه رسیدگی به اطفال و نوجوانان را صالح به رسیدگی می داند و در مورد سایر جرایم این اشخاص، در صورتی که در حوزه قضایی محل ارتکاب دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل شده باشد، این دادگاه کیفری اختصاصی صالح به رسیدگی خواهد بود.

نتیجه گیری

از مباحث طرح شده می توان نتایج ذیل را برشمرد :

۱- با مروری در صلاحیت دادگاه های کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ متوجه تغییرات بنیادی در راستای اعمال اصول دادرسی منصفانه خواهیم شد، استفاده ی بیشتر از تعداد قضات با تقسیم دادگاه های عمومی کیفری به یک و دو و همچنین تشکیل دادگاه اختصاصی اطفال از نوآوری های قابل تقدیر در زمینه صلاحیت دادگاه ها بوده است .

۲- حذف دادگاه کیفری استان و اعطای وظایف آن به دادگاه کیفری یک و مواردی که بیان شد همه در جهت رفع تناقض و ابهام از نظام دادرسی کیفری بوده است. خوشبختانه قانون جدید آیین دادرسی کیفری، گامی بزرگ به سوی تعالی عدالت کیفری در ایران برداشته است.

۳- قواعد و مقررات مربوط به صلاحیت کیفری از قوانین آمره بوده و ناظر به نظم عمومی است و اراده افراد و مراجع کیفری تاثیری در آن ندارد . با توجه به این که قواعد مربوط به صلاحیت دادرسی و محاکم کیفری از مهم ترین مقررات و قواعد دادرسی می باشد و از کاربردی ترین و عملی ترین مواد قانون آیین دادرسی کیفری محسوب قاضی در تمام پرونده های ارجاعی با آن سر و کار دارد و بایستی بر قواعد آن مسلط باشد، لازم بود که قانون گذار فصل جداگانه ای را به قواعد صلاحیت

اختصاص می داد نه این که آن را با دیگر مباحث می آورد ، زیرا نقض قواعد مربوط به صلاحیت از موارد تخلف انتظامی می باشد ولو مقام قضایی در اثر سهل انگاری یا فراموشی آن را نادیده گرفته باشد .

۴- تخصصی شدن رسیدگی ، تسریع دادرسی ، محدود کردن اعمال نفوذ ، مصلحت و ضرورت ، برخورد شدید و قاطع با مجرمان خاص و امکان سیاست گذاری متمرکز و ایجاد رویه واحد از مهم ترین دلایل تأسیس دادگاه های کیفری اختصاصی است .
لطمه به اصل تفکیک قوا و تزلزل استقلال قضایی، نابرابری افراد، محدودیت حق دفاع متهم و نادیده گرفتن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها از معایب این محاکم محسوب می شود.

۵- برابر ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ : دادگاه کیفری یک بر حسب مورد با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می شود؛ در این وضعیت ریاست دادگاه بر عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد. دادگاه کیفری یک در مرکز استان به تشخیص رئیس قوه ی قضائیه در حوزه قضایی شهرستان ها تشکیل می شود. در حوزه هایی که این دادگاه تشکیل شده است به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیک ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می شود.

۶- جرایم سیاسی و مطبوعاتی فقط در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود یعنی دادگاه کیفری یک شهرستان صلاحیت رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی را ندارد اما دفاع از کیفرخواست و شرکت در جلسه دادگاه به عهده دادستان محل وقوع جرم است. در قانون حاضر با وجود این که صلاحیت رسیدگی به جرایم سیاسی به دادگاه کیفری یک داده شده، اما متأسفانه قانون گذار تاکنون این جرایم را تعریف یا مصادیق آن را تعیین نکرده است.

۷- دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آنچه بموجب قانون در صلاحیت مرجع دیگر می باشد. همان طور که ملاحظه گردید دادگاه های کیفری دو متشکل از یک قاضی است، این در حالی است که رسیدگی به اکثریت جرایم ارتكابی در جامعه در صلاحیت این دادگاه می باشد و بعضاً رسیدگی به جرایم مهم از قبیل کلاهبرداری و اختلاس در صلاحیت این دادگاه می باشد و این امر یکی از معایب اساسی این دادگاه می باشد. جا دارد قانونگذار در این زمینه با اقتباس از نظام های دادرسی کشورهای جهان، اصل تعدد قاضی در این دادگاه ها را بپذیرد.

۸- قانونگذار در قانون جدید پس از گذشت سالیان دراز از عمر دادگاه های انقلاب در کشور ما خوشبختانه تعداد قاضی را در دادگاه های مذکور تحت عنوان اقدامی مثبت و ناشی از توجه به اهمیت جرایم موجب مجازات های فوق را پذیرفته است، لیکن در جرایم سبک تر این دادگاه همانند دادگاه کیفری دو از یک قاضی تشکیل

می شود. پذیرش قضاوت فردی در دادگاه انقلاب آن هم در جرایمی مثل مواد مخدر یا جرایم علیه امنیت ملی یا قاچاق که دارای مجازات سخت می باشد جای ایراد است و معلوم نیست که چرا قانونگذار در همه جرایم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب ، اصل تعدد قاضی را نپذیرفته است.

۹- ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ، دادگاه های کیفری را به ۵ قسم تقسیم نموده است : ۱- دادگاه کیفری یک ۲- دادگاه کیفری دو ۳- دادگاه انقلاب ۴- دادگاه اطفال و نوجوانان ۵- دادگاه نظامی

۱۰- با وجود اشاره دادگاه های نظامی در ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک سازمان و تشکیلات آن ها، صلاحیت هر یک در این قانون بیان نشده است؛ بلکه موضوع طرح جداگانه ای است که تحت عنوان آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، توسط مجلس شورای اسلامی در دست بررسی قرار دارد تا زمان تصویب و تایید این طرح، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۶۸ و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در این زمینه مورد عمل است.

۱۱- دادگاه ویژه روحانیت یکی از دادگاه های کیفری با صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص روحانی به شرح مندرج در آیین نامه دادرسی و دادگاه های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۵ است . عدم ذکر نام دادگاه ویژه روحانیت در ماده

۲۹۴ ق.آ.د.ک به معنای حذف آن از شمار دادگاه های کیفری نیست بلکه به لحاظ عدم تعلق تشکیلات آن به قوه قضائیه و استناد موجودیت و صلاحیت آن به آیین نامه فوق است.

۱۲- با توجه به این که قواعد مربوط به صلاحیت در قانون دادرسی کیفری ۹۲ به صورت مستقل بیان نشده است یک نوع آشفتگی در قانون نویسی به وجود آمده است. به عنوان مثال قانونگذار قواعد مربوط به احاله که یکی از موارد عدول از قواعد صلاحیت است، بسیار دورتر از مواد مربوط به قواعد صلاحیت در قالب فصل هفتم تحت عنوان «احاله» پیش بینی نموده است و این یک امر پسندیده برای قانون- نویسی محسوب نمی گردد و پیشنهاد می شود که در قانون نویسی، قانونگذار محترم حداقل مباحث مرتبط و استثنائات مربوطه را در فصل مربوطه منظور نماید.

منابع

- ۱- آخوندی، محمود، ۱۳۸۶، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
- ۲- آشوری، محمد، ۱۳۸۲، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت، ج ۲، چاپ سوم
- ۳- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولوک، برنارد، ۱۳۸۴ آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ترجمه حسن دادیان
- ۴- الهام، غلام حسین، ۱۳۸۹، حقوق جزای نظامی، نشر دادگستر، چاپ اول.
- ۵- انیس ابراهیم، المعجم الوسیط، ۱۳۸۴، محمد بندرریگی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول
- ۶- جانی پور، علی، ۱۳۹۳، دادگاه های کیفری اختصاصی، موسسه مطالعات و پژوهش های شعر دانش، چاپ اول
- ۷- خالقی، علی، ۱۳۸۹، آیین دادرسی کیفری، نشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ نهم

- ۸- خالقی ، علی ، ۱۳۹۰ ، تقریرات درس آیین دادرسی کیفری، مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران .
- ۹- دریاباری، سید محمدزمان، ۱۳۸۳ ، دادسرا و دادگاه ویژه ی روحانیت، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، چاپ اول .
- ۱۰- زرنگ، محمد، تاریخ تحول نظام اقتصادی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد دوم ، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۱۱- کاشانی، سید محمود، ۱۳۸۳، استانداردهای جهانی دادگستری، نشر میزان، چاپ اول
- ۱۲- گلدوست جویباری ، رجب ، ۱۳۹۳ ، آیین دادرسی کیفری ، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
- ۱۳- مالمیر، محمود، ۱۳۸ ، شرح قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ، نشر دانشگاه، تهران، چاپ اول
- ۱۴- محمدی کشکولی، محمدرضا، ۱۳۹۰ دادگاه کیفری استان، انتشارات بهنامی ، چاپ اول
- ۱۵- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۶۸ ، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران ، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم

۱۶- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۸۰، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات

پایدار، چاپ دوم

۱۷- مصدق، محمد، ساختار و صلاحیت دادگاه های کیفری، روزنامه اطلاعات،

شماره ۲۵۲۱۶

۱۸- مصدق، محمد، ۱۳۹۲، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ

سوم

۱۹- نوروزی فیروز، رحمت الله، ۱۳۸۷، آیین دادرسی کیفری ۲، تهران، نشر

میزان، چاپ اول

۲۰- هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۷، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم،

نشر میزان، چاپ بیستم

۲۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲۲- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲۳- قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحی ۱۳۶۸

۲۴- قانون مجازات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲

۲۵- آیین نامه دادرسیها و دادگاه های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات

۱۳۸۵